

آخرین شاه، آخرین دربار

ده سال پایانی رژیم پهلوی

به روایت اسدالله خان علم

به کوشش

موسی فقیه حقانی



۱۳۹۷ بهار

سرنشنه	: علم، امیراسدآن، ۱۲۹۸-۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور	: آخرین شاه، آخرین دربار: (ده سال پایانی رژیم پهلوی به روایت اسدالله‌خان علم) / به کوشش موسی فقیه حقانی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۴۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰-۹۰-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
پاداشر	: کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب «یادداشت‌های علم» است.
عنوان دیگر	: یادداشت‌های علم
موضوع	: علم، امیراسدآن، ۱۲۹۸-۱۳۵۷ -- خاطرات
موضوع	: سیاستمداران ایرانی -- سرگذشت‌نامه
موضوع	: Politicians, Iranian -- Biography
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی.
موضوع	: Iran--History-- Pahlavi, 1963-1978
شناسنامه افزوده	: فقیه حقانی، موسی، ۱۳۴۲ -. گردآورنده
شناسنامه افزوده	: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
ردیفندی کنکره	: DSR ۱۴۸۷/۸۲۳ ۱۳۹۷
ردیفندی دیویس	: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
শماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۶۳۶۹۷



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران آخرین شاه، آخرین دربار ده سال پایانی رژیم پهلوی به روایت اسدالله‌خان علم به کوشش: موسی فقیه حقانی

تهران، خیابان ولی‌عصر(عج)، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، نبش چناران، شماره ۱۵
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵ تلفن: ۰۲۰۰۴۶۶۹
پست الکترونیکی: info@iichs.org نشانی وب: www.iichs.org
حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
چاپ اول: بهار ۱۳۹۷
قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان
تعداد: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰-۹۰-۷

نشانی مرکز توزیع: نمایشگاه و فروشگاه دائمی سرای تاریخ
تهران، خیابان ولی‌عصر(عج)، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، شماره ۱۱
نمبر: ۰۲۱-۲۲۶۰۲۰۹۶
سفارشات: ۰۲۱-۲۲۶۰۵۰۷۳
نشانی ما در شبکه‌های اجتماعی @IICHSpub

کلیه حقوق این اثر متعلق است به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فهرست مطالب

۷ مقدمه
۱۳ آشنایی با شاه: نگاهی به شخصیت و روحیات شاه و خانواده او
۱۵ فساد، دیکتاتوری، وابستگی
۱۶ شخصیت و روحیات شاه
۴۰ فساد اخلاقی
۵۵ دولت و دربار عیاش شاه
۵۹ دربار مرتع شاهان و رؤسای عشرت طلب جهان
۶۵ خانواده شاه: همسر و فرزندان
۶۷ خاندان منحط
۶۷ فرح دیبا
۸۳ شهناز پهلوی
۸۶ رضا پهلوی
۹۱ خواهران و برادران شاه: اشرف، شمس، عبدالرضا و غلامرضا پهلوی
۹۳ خانواده لابالی
۱۰۵ سیاست داخلی: اداره کشور، وضعیت مردم، مطبوعات، احزاب سیاسی، دانشجویان، دانشگاه‌ها و روشنفکران، ساواک، ارتش، خریدهای تسلیحاتی، وزرای شاه، دین‌ستیزی و نفوذ بهائیان در دولت، نفت و کنسرسیوم
۱۰۷ نحوه حکومت‌داری، دیکتاتوری و بی‌برنامگی
۱۴۳ ولخرجی و اسراف
۱۵۱ جشن‌های شاهنشاهی
۱۵۵ افکار عمومی، تبلیغات، مطبوعات داخلی و خارجی
۱۶۵ رأی مردم و دموکراسی
۱۷۱ احزاب سیاسی

۱۷۹	دانشجویان، دانشگاهها و روش‌نگران
۱۸۹	ساواک
۱۹۵	ارتش: شاه بزمی، ارتش بزمی
۲۰۷	خریدهای تسلیحاتی
۲۱۳	وزرای شاه
۲۱۹	دین‌ستیزی و نفوذ بهائیان در دولت
۲۲۷	نفت و کنسرسیوم
۲۵۱	سیاست خارجی و وجهه بین‌المللی
۲۵۳	وجهه بین‌المللی رژیم شاه
۲۵۹	رابطه با آمریکا
۲۵۹	گدایی حمایت، فروش بیشتر نفت، خرید بیشتر تسلیحات
۳۰۷	رابطه با انگلستان
۳۰۷	از واگذاری بحرین تا سفارش پاته جگر غاز برای ملکه
۳۳۱	رابطه با اسرائیل
۳۳۱	خدمات متقابل شاه و اسرائیل به یکدیگر
۳۴۵	ارتباط با شوروی
۳۴۵	از ماج آبدار به پادگورنی تا عصبانیت از تحويل نگرفتن ولی‌عهد
۳۵۵	رابطه با اعراب
۳۵۵	از حمایت از اسرائیل تا همراهی با سران مرتع عرب
۳۵۵	مسائل کلی غرب آسیا (خاورمیانه)
۳۵۹	مصر، اردن، مراکش
۳۷۳	عربستان
۳۷۹	بحرين
۳۸۷	فلسطین
۳۸۹	از رشوه برای آب هیرمند تا خرید آپارتمان برای شاه محلوع افغانستان
۴۰۱	پاکستان
۴۰۱	از میانجی گری بین اسرائیل و پاکستان تا فروش سلاح به اسلام‌آباد
۴۰۷	نامهای اشخاص

مقدمه

اسدالله علم فرزند ابراهیم علم معروف به «شوکت‌الملک» در ۱۲۹۸ شمسی در خانواده‌ای که به تبعیت از سیاست انگلیسی‌ها شهرت داشتند به دنیا آمد. اجداد او – از خوانین قائنات و سیستان – و پدرش متخد رضاخان در کودتای ۱۲۹۹ بود. حکمرانی قائنات و سیستان و بلوچستان و عهدداری وزارت‌خانه پست و تلگراف و تلفن مزداین همکاری بود که او را بیشتر به رضاخان نزدیک کرد. علم تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش بیرجند گذراند، در ۱۵ سالگی به همراه پدر به تهران آمد و در مدرسه عالی کشاورزی کرج به تحصیل مشغول شد. در پنجم مرداد ۱۳۲۱ لیسانس (مهندسی کشاورزی) گرفت و به اشاره رضاخان با دختر ابراهیم قوام – قوام‌الملک شیرازی – وصلت و با خاندان سلطنتی نسبت سببی پیدا کرد. رضاخان قبلًا دختر خود اشرف را به ازدواج علی قوام درآورده بود. از ۱۳۲۶-۱۳۲۳، علم پیشکار مخصوص محمدرضا پهلوی بود تا اینکه در ۱۳۲۶ قوام‌السلطنه او را به فرمانداری کل سیستان و بلوچستان منصوب نمود. کمتر از یک سال بعد در کابینه ساعد مراغه‌ای وزیر کشاورزی شد. در کابینه رجبعلی منصور نیز وزیر کشاورزی بود تا اینکه در کابینه رزم‌آرا وزیر کار شد. در خلال همین سال‌ها با شاپور ریپورتر انس گرفت و شبکه بدامن را که بعدها در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش کلیدی ایفا کرد با هدف مقابله با نفوذ کمونیسم تأسیس نمودند.

در دوران نخست وزیری مصدق، علم از سوی شاه سرپرست اداره املاک و مستغلات پهلوی شد. مصدق که نسبت به او حساس شده بود وی را روانه زادگاهش بیرجند نمود

اما مشارکت اش در کودتای ۱۳۳۲ او را به شاه نزدیک‌تر کرد. از ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ در کابینه حسین علاء وزیر کشور شد. تغییر استانداران و فرمانداران سراسر کشور، انجام انتخابات فرمایشی مجلس نوزدهم، سانسور و تعطیلی مطبوعات مخالف بخشی از اقدامات او در این دوره بود.

با روی کار آمدن منوچهر اقبال در ۱۳۳۶ علم «حزب مردم» را به اشاره شاه تأسیس کرد تا در کنار حزب دولتی ملیون نمایش آزادی احزاب را به اجرا درآورند. وی با سمت دبیرکل حزب مردم، نقش مخالف خوان دولت اقبال را ایفا می‌کرد تا اینکه افتضاح انتخابات مجلس بیستم در ۱۳۳۹ او را مجبور به استعفا از سمت دبیرکلی نمود.

سقوط دولت علی امینی پس از سفر شاه به آمریکا و مقاعده نمودن آنها نسبت به عزل امینی، علم را بر اریکه صدارت نشاند و در تیر ۱۳۴۱ مأمور تشکیل کابینه شد.

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی با ماهیت ضد اسلامی حکم اعلان جنگ به اسلام و روحانیت را داشت که با اعتراض شدید روحانیت به پرچمداری امام خمینی روبرو و به لغو لایحه مجبور منجر شد. رژیم قصد عقب‌نشینی نداشت لذا با برگزاری رفراندوم ششم بهمن ۱۳۴۱ دور جدید تقابل با روحانیت را آغاز کرد. تحریم رفراندوم توسط مردم به دستور علما، حمله به مدرسه‌فیضیه قم در فروردین ۱۳۴۲، بازداشت حضرت امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۴۲ و به خون کشیدن قیام پانزده خرداد از دیگر رویدادهای عمده دوران نخست وزیری علم بود. وی به کرار با افتخار از اقدامات خود در این دوره به عنوان اقدامی که ریشه روحانیت را کند و پایه‌های رژیم را تثبیت نمود یاد می‌کند. وی تا اسفند ۱۳۴۲ در همین سمت بود تا اینکه شاه حکم نخست وزیری حسنعلی منصور را برای تکمیل وعده‌هایی که به آمریکایی‌ها داده بود امضا کرد. علم نیز به ریاست دانشگاه پهلوی شیراز منصوب شد. در این سمت نیز تقابل با نیروهای مذهبی در دانشگاه مدنظر او بود و از این که در دوره ریاست او دختران محجبه در دانشگاه دیده نمی‌شدند بر خود می‌بالید. مفاسد اخلاقی او در این دوره زبانزد بود. در ۱۹ آبان ۱۳۴۵ علم گام آخر را در نزدیکی به شاه برداشت و وزیر دربار شد. آجودانی مخصوص محمدرضا شاه، نمایندگی وزیر شاه در هیئت مدیره بنیاد پهلوی، عضویت در هیئت مدیره بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مدیریت عامل کمیته پیکار با بیسوادی، عضویت در هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی

خدمات اجتماعی و دبیرکلی «حزب مردم» نیز مشاغل حاشیه‌ای او بود که به عنوان معتمد محمد رضا پهلوی بر عهده داشت.

علم در سمت وزیر دربار، رفته رفته نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های حیاتی و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور بر عهده گرفت به نحوی که نخست‌وزیر و وزرای خارجه، دفاع، کشور به حاشیه رفته و در زمینه‌های مسائل امنیتی و نفتی و ارتباط با سفارتخانه‌ها و مقامات سیاسی و امنیتی خارجی... به عنوان معتمد شاه نقش بی‌بدیلی پیدا کرد. اعتماد دولتمردان و سفرای امریکا و انگلیس به وی نیز در استحکام موقعیت وی بسیار مؤثر واقع شد.

حاکمیت علم بر دربار پهلوی تا ۱۳۵۶ که وی برای معالجه بیماری خود مجبور به ترک کشور شد ادامه داشت او در اواخر دی ۵۶ در بیمارستان‌های پاریس بستری شد سپس برای ادامه معالجات در اواخر سال ۱۳۵۶ به امریکا اعزام و در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ در بیمارستانی در نیویورک درگذشت.

علم چند ماه پس از انتصاب به سمت وزارت دربار شروع به نوشتن یادداشت‌هایی کرد که تا سال ۱۳۵۶ ادامه پیدا کرد. این یادداشت‌ها بیانگر مسائل پشت‌پرده‌ای است که کمتر در رسانه‌ها به آنها پرداخته می‌شد. حضور علم در کنار شاه در مهم‌ترین سالهای زمامداری او به مدت یک دهه آن هم در خلوت و جلوت ویژگی منحصر‌بفردی به یادداشت‌های علم بخشیده است. مطالب مطروحه در این دست‌نوشته‌ها شامل مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امنیتی از یکسو و مسائل کاملاً شخصی شاه و خانواده وی از سوی دیگر می‌باشد. علم خود درباره این یادداشت‌ها در آخرین روزهای حضور خود در دربار می‌نویسد: «این یادداشت‌ها دیگر تمام می‌شود، زیرا بدون زیارت شاهنشاه مطلبی نیست و نخواهد بود که بنویسم. جز آنکه بنویسم امروز و فردا حالم چگونه بوده است و یا اخبار دنیا را بنویسم که در روزنامه‌های جهان خواهیم دید». این اظهارات دقیقاً بیانگر این است که محور اصلی این یادداشت‌ها ارتباط علم با شاه در زمینه‌های مختلف می‌باشد. سر پیتر رمزباتم، سفیر بریتانیا در تهران (۱۳۵۰-۵۳) درباره جایگاه علم در نزد شاه می‌گوید:

۱. اسدالله علم. یادداشت‌های علم. ویرایش علینقی عالیخانی. تهران، کتابسرای، ۱۳۸۶. ج ۶، صص ۵۵۳-۵۵۴.

علم مورد اعتماد شاه و در مورد موضوعات مختلف، همیشه تاثیرگذارترین فرد بود... احتمالاً در مورد موضوعات مختلفی - همیشه - تاثیرگذارترین آدم بود. شاه هم زیاد بهش تکیه می کرد، خیلی برای شاه ارزش داشت... شاه ازش استفاده می کرد. فکر می کنم خیلی نفوذ و تأثیر زیادی داشت. قطعاً هر پیغامی، هر چی من دلم می خواست، درجا و فوری می رسید به شاه. می خواهم بگویم تمام مدت اعتماد شاه را داشت. می دانید، چون ارتباطش قطع نمی شد. هر روز شاه را می دید. منظورم اینکه حتی یک شب هم نبود که برای خودش باشد.^۱

وی درباره ارتباط علم با انگلیسی ها و منش او نیز یادآور می شود:

فکر می کنم صرفاً دوست داشت بریتانیایی ها را... خیلی. نمی دانم چه طور... نمی دانم قضیه کلاً از کی شروع شد. برمی گشت به...؟ منظورم مشخصاً دنیس رایت است، قدیم آنها کلی با ماشین با همدیگر می رفتند گردش، کلی مشترکات داشتند، می رفتند با همدیگر به اروپا برای اسکی... اسدالله علم خودش را کمی شبیه اعیان انگلیسی می کرد و رسوم و رفتارهای انگلیسی را دوست داشت.^۲

درباره اتفاق یادداشت های علم، هنری پرکت، افسر مسئول امور سیاسی و نظامی سفارت آمریکا در تهران در سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۲ [۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵] و مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه ایالات متحده در سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۷۸ [۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹] می گوید: من در سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۲ در سفارت آمریکا خدمت کرده ام. وقایع مهمی که بیگانگان از آن هیچ اطلاعی نداشتند، با دقت در این کتاب ثبت شده اند. برای نمونه در یک بعد از ظهر آرام روز جمعه در ماه اکتبر ۱۹۷۲، من و کاردار سفارت درخواست کسینجر از شاه برای اعزام یک اسکادران F5 به ویتنام را به اطلاع علم رساندیم. پس از ۲۰ دقیقه جواب مثبت گرفتیم. متعجب شده بودیم که چگونه درخواستی با چنین میزان اهمیت بدون هیچ گونه بحثی احابت شد. اکنون با کمک خاطرات می فهمیم که کسینجر از طریق کانال نامعلومی با شاه تماس گرفته و شاه را برای این درخواست آماده کرده بود.^۳

علم در یادداشت های خود به ثبت مسائل مختلفی از قبیل روابط خارجی شاه، وضعیت

۱. سایت تاریخ ایرانی. خاطرات سفیر بریتانیا در تهران. ترجمه بهرنگ رجبی. قسمت ۹.

۲. همان

3. *Iranian Studies*. Vol 26, No. 1/2 (Winter - Spring, 1993), pp. 197-200.

اقتصادی کشور و مردم، اوضاع اجتماعی ایران در دهه پایانی رژیم پهلوی، نگاه شاه به رجال، مناسبات درونی دربار پهلوی بهویژه روابط شاه و همسرش فرح دیبا، عیاشی‌های شاه، مناسبات با اسرائیل، وضعیت دانشگاه‌ها، درآمدهای نفتی، مسائل امنیتی و نظامی پرداخته است. همین ویژگی باعث می‌شود که کتاب خاطرات او به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع جهت پی بردن به اوضاع ایران در سالهای پایانی رژیم شاه به حساب آید. البته نوشتن چنین مسائلی برای نویسنده آن ولو «غلام خانه‌زاد» شاه مخاطراتی دربرداشت لذا علم تلاش کرد ثبت این رویدادها به دور از چشم نامحرمان صورت بگیرد و پس از اتمام هر پرونده یا جلد آن را توسط یکی از دوستان خود در ژنو به امانت می‌گذشت تا بر اساس وصیت او زمانی که دیگر پهلوی‌ها بر ایران سلطنت نمی‌کردند منتشر شود.

متن یادداشت‌ها حاکی از آن است که علم به شاه وفادار و به او علاقه‌مند بود اما نسبت به پاره‌ای از مسائل و رفتارهای شاه انتقادهایی داشت. علاقه‌مندی علم به شاه، هم منشأ شخصی داشت و هم ناشی از همسویی هر دو نفر با سیاست‌های بیگانگان بود. موضوعی که از جوانی علم را در کنار شاه قرار داد و در سال‌های پایانی او را به نزدیک‌ترین فرد به شاه تبدیل نمود. البته شاه به همه اطرافیان خود نگاهی ابزاری داشت و در عین خصوصیت با افراد به سیره تمامی برکشیدگان توسط بیگانه نسبت به اطرافیان سوءظن داشت. به حکم شاه، علم در ۱۳۵۶ مرداد ۱۳۵۶ در حالی که جهت معالجه به خارج رفته بود ملزم به استغفا شد و با ذکر این که «با تمام قلب پای مبارک را می‌بوسد — غلام خانه‌زاد — علم»^۱ از مقام خود استغفا داد. البته همراه استغفانامه طی مکتوبی با عنوان «پیشوای بزرگ من» از این که شاه شخصاً به او حکم کرده است که استغفا دهد تشکر نموده و می‌نویسد:

آخر، من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم؟ آن هم غلامی که راه و رسم زندگی او در عالم غلامی این است: بنده چه دعوی کند حکم خداوند راست. جز آن که همان‌طور که مکرر به خاکپای مبارک عرض کرده‌ام معتقد‌تر بشوم که انک لعلی خلق عظیم.^۲ در عین حال وی در آخرین سطور خاطرات خود نوشت: «از خدا می‌خواستم که دیگر در اوضاع ایران بی‌دخالت باشم» انتقاد از دست برداشتن رژیم از ادعاهای برق ایران

۱. یادداشت‌های علم، ج ۶، ص ۵۵۴

۲. همان، صص ۵۵۵-۵۵۴

در موضوع سیستان^۱ و تسلیم شدن در برابر نظرات کارتر درخصوص قیمت نفت^۲ آخرین فقراتی است که در یادداشت‌های علم با آن مواجه می‌شویم.

علم که در خلال یادداشت‌های خود گاه‌گاهی لب به انتقاد از وضعیت جاری کشیده می‌گشود پی برده بود که رژیم شاهنشاهی دوام چندانی نخواهد کرد لذا برای جلوگیری از سقوط رژیم در اسفند ۱۳۵۶، نامه‌ای مفصل به شاه نوشته و وحامت اوضاع کشور را متذکر شد. شاه در مورد این نامه به هویتاً گفته بود: «علم مشاعرش را از دست داده است!». به منظور استفاده آسان‌تر از مجموعه یادداشت‌های علم صرفنظر از حواشی غیرضرور خلاصه‌ای از آنچه در خاطرات وی در محورهای مختلف آمده در یک مجلد تقديم علاقه‌مندان می‌شود تا با مرور آن نسبت به آنچه در دهه پایانی رژیم پهلوی روی داده است از نگاه یکی از کارگزاران اصلی حاکمیت پهلوی آشنایی به دست آید. از آنجا که در نظر بود عصاره مطالب مطروحه در یادداشت‌های علم محض علاقه‌مندان تقدیم شود، لذا متن مورد استناد در این کتاب مجموعه دوجلدی است که در سال ۱۳۷۱ با عنوان «گفت و گوهای من با شاه» از سوی انتشارات طرح نو منتشر شد. ضمناً در پاره‌ای از موارد برای روشن شدن مطالب مطروحه در یادداشت‌ها توضیحاتی در پاورقی درج شده که بخشی از آنها را ویراستار مجموعه یادداشت‌های علم، دکتر عالیخانی نوشته که با علامت (عا) مشخص شده و بقیه پاورقی‌ها در متن حاضر توسط اینجانب اضافه شده است.

موسى فقيه حقاني

۱. همان، ص ۵۵۳

۲. همان، ص ۵۵۶